

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عقل

درس‌گفتارهایی از: مسعود بسیطی

در دوره‌ی «عقل»، با عقل به عنوان ابزاری مطمئن و ضمانت شده در هدایت و سعادت‌مندی آدمیان آشنا می‌شویم؛ جایگاهش را نزد خداوند متعال بیان می‌نماییم؛ و ساز و کار افزایش و کاهش آن را بررسی می‌کنیم. این مبحث، در شش گفتار و طی شش هفته‌ی متوالی ارائه می‌گردد.

### درس ششم: یاوران و محافظان عقل

در پنج درس گذشته، با «عقل» به عنوان ابزار و نعمتی الهی برای انتخاب صحیح آشنا شدیم. دانستیم **توجه**، **تصدیق** و **عمل** به عقل، نور آن را زیاد می‌کند. همچنین، پوزش و جبران حجابی را که در اثر انجام خطا و گناه روی عقل نشانده‌ایم، برطرف می‌سازد و نور عقل را که محجوب شده بود، نمایان می‌سازد. در این جلسه، راهکار دیگری برای افزایش و رشد عقل معرفی می‌گردد.

### یاوران و محافظان عقل

در مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام، عقل، دارای تعدادی یاور و محافظ است که به «جنود عقل» یا لشکریان عقل مشهورند.<sup>۱</sup>

«جنود» جمع «جند» به معنای مدافع، یاری‌کننده، پشتیبان و تقویت‌کننده است.<sup>۲</sup> بنابراین، هر قدر جنود عقل، قوی‌تر باشند، عقل ما هم قوی‌تر خواهد بود؛ و هر قدر جنود عقل را بیشتر مورد توجه قرار دهیم، عقل‌مان بیشتر رشد

---

<sup>۱</sup> در انتهای این درس، مجموعه‌ی جنود عقل و جهل، در جدولی برای محققان عزیز ارائه گردیده است؛ علاقمندان برای مطالعه‌ی کل روایت جنود عقل و جهل - که یادگاری است از هدایتگر ششم، امام صادق علیه السلام - می‌توانند به این منبع مراجعه نمایند: بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۰۹.

<sup>۲</sup> أَنَّ حَقِيقَةَ مَفْهُومِ الْجُنْدِ: هِيَ الْجَمْعِيَّةُ الْمُتَشَكِّلَةُ بِعِنَانِ الدَّفَاعِ عَنْ مَرَامٍ أَوْ شَخْصٍ وَ النِّصْرَةَ وَ الْمِظَاهِرَةَ وَ التَّقْوِيَّةَ، وَ ذَلِكَ التَّشَكُّلُ وَ التَّحْزِبُ إِمَّا بِالتَّدْبِيرِ وَ التَّجْنِيدِ أَوْ بِالتَّشَكُّلِ الْقَهْرِيِّ - كَالْجَمْعِيَّةِ الْمُتَابِعَةِ الْمَوْافِقَةِ: الْمِصْطَفَوِي: التَّحْقِيقُ فِي كَلِمَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ، ذِيلُ وَائِزَةَ «جند». ؛ الْجُنْدُ: الْأَعْوَانُ وَ الْأَنْصَارُ: لِسَانُ الْعَرَبِ، ذِيلُ وَائِزَةَ «جند» ؛ وَجُنْدٌ: يَدُلُّ عَلَى التَّجَمُّعِ وَ النِّصْرَةِ، يُقَالُ هُمْ جُنْدُهُ أَوْ أَعْوَانُهُ وَ نَصَّارُهُ: مَقَابِيسُ اللُّغَةِ، ذِيلُ وَائِزَةَ «جند».

خواهد نمود. از طرف دیگر، هر چه نور عقل مان بیشتر شود، عمل به جنود عقل، سهل تر خواهد شد.<sup>۲</sup> در واقع، عقل و جنود عقل، ارتباطی مستقیم و دو سویه با یکدیگر دارند و تقویت یکی، سبب رشد دیگری می‌گردد.

برخی از یاران و محافظان عقل عبارتند از:

«امید داشتن به خدا، راستگو بودن، محبت کردن، امانت دار بودن، تشکر کردن هم از خالق و هم از مخلوقش، وفادار بودن، عذرخواهی بابت اشتباهات، عدالت، خشنودی به تقدیر خدا، امید به رحمت خدا، دل نبستن به دنیا و مادیات آن، پروا داشتن از نافرمانی خدا، خوشرفتاری با خلق، فروتنی در برابر حق، خالی شدن از غیر خدا، پرده پوشی اسرار دیگران، نیکی به والدین، ...»<sup>۴</sup>

همانطور که می‌بینید، «عقل» عمل به این جنود را تایید می‌کند. هر انسان عاقلی، فارغ از دین و مذهبی که دارد، خوبی و زیبایی جنود عقل را می‌یابد (وجدان می‌کند). می‌یابد امانتداری، صداقت، حیا، عدالت و ... خوب هستند.

بسیاری از این جنود به حُسن خُلق آدمی باز می‌گردد. مانند: راستگو بودن، امانت دار بودن، تشکر از صاحب احسان، وفادار بودن، عذرخواهی بابت اشتباهات، عدالت، خوشرفتاری با مردم، فروتنی در برابر حق، پرده پوشی اسرار دیگران، نیکی به والدین، ... ذکر این نکته، خالی از لطف نیست که در مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام کسی عقلش کامل تر است که خُلقش بهتر باشد؛ یعنی به این جنود، بیشتر عامل و پایبند باشد.<sup>۵</sup>

در مقابل «جنود عقل»، «جنود جهل» قرار دارند که همانطور که از اسم شان مشخص است، کمک کار و لشگریان جهل هستند. مانند:

«نا امیدی از رحمت خدا، دروغ گویی، خیانت، نا شُکری، بدرفتاری با خُلق و ...»<sup>۶</sup>

بدی اینها را نیز عقل به خوبی تشخیص می‌دهد. بدیهی است عمل به جنود جهل، در واقع، عدم تصدیق عقل است و سبب محجوب شدن نور عقل و تضعیف آن می‌گردد.

### ارتباط جنود عقل با هم و تشبیه جنود عقل به جعبه فیوز:

---

<sup>۲</sup> گذشته از این نتیجه که از معنای «جُند» حاصل می‌شود، در روایات متعددی رابطه‌ی تنگاتنگ جنود عقل با عقل بیان شده است. به عنوان مثال، درباره‌ی «حلم» که از جنود عقل است، چنین آمده: "بوفور العقل يتوفر الحلم" یعنی: با وفور عقل، حلم افزون می‌شود؛ غررالحکم، ص ۵۳.

<sup>۴</sup> بنگرید به پاورقی شماره ۱.

<sup>۵</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا" یعنی: کامل‌ترین مردم در عقل، خوش خُلق‌ترین آنهاست: کافی، ج ۱، ص ۲۳.

<sup>۶</sup> بنگرید به پاورقی شماره ۱.

جنود عقل، ارتباط تنگانگی با یکدیگر دارند و برخی، زیرشاخه‌ی برخی دیگر هستند.<sup>۷</sup> گاهی با سرپیچی از یکی از آنها، تعداد دیگری را نیز از دست می‌دهیم و یا برعکس. مانند جعبه فیوز که برخی فیوزهای آن با هم سری و برخی با هم موازی هستند. ممکن است با پریدن یکی از فیوزها (از کار افتادن یکی از جنود)، چند فیوز (جنود) دیگر همزمان بپرد؛ و یا برعکس با روشن شدن یکی، تعداد زیادی روشن شوند. هرچه تعداد فیوزهای روشن، بیشتر باشند، قدرت تشخیص ما (نور عقل) بیشتر است.

با تکرار آگاهانه‌ی یکی از جنود جهل، فیوز هشدار مربوط به آن، خاموش می‌شود و به اصطلاح، قبح آن خطا یا گناه می‌ریزد. مثلاً با دروغ گفتن‌های زیاد، این کار کم کم برایمان عادی می‌شود و دیگر حتی قبح آن را نمی‌فهمیم. پس مراقب باشیم در مقابل هر عمل غیر عقلانی و گناهی ترمز کنیم و آن را انجام ندهیم.

برخی از گناهان، به قدری قبیح هستند که باعث خاموشی بسیاری از فیوزهای جنود عقل می‌شوند که در این صورت روشن کردن دوباره‌ی تک تک آنها کاری بسیار دشوار خواهد بود. یکی از این گناهان، تعدی بر مال دیگران است. برخی از جنود عقل که با لقمه‌ی حرام، دچار آسیب جدی می‌شوند عبارتند از:

«توکل، صبر، امانتداری، فرمانبری از امر خدا (عقل)، قناعت، رعایت خدا، پروا داشتن از خدا، خشنودی به تقدیر خدا، امیدواری به خدا، تصدیق حق، خیر، عدل، مودت، ...»

در مقابل، برخی اعمال نیز هستند که عمل به آنها باعث روشن شدن تعداد زیادی از فیوزهای خاموش می‌گردد. مانند شکر منعم که خود از جنود عقل محسوب می‌گردد.

بدین بهانه خداوند رحمان را سپاس می‌گوییم و از او به دلیل نعمت‌های بیشماری که بر ما ارزانی داشته، خصوصاً نعمت «عقل» تشکر می‌کنیم. همانطور که در **درس چهارم (ساز و کار افزایش و کاهش عقل)** نیز اشاره شد، اولین مصداق شکر، آن است که نعمتی را که به ما عطا شده، در راه عبودیت خالق - و نه در راه نافرمانی او - به کار بندیم.<sup>۸</sup> پس بیاییم به عقل و جنود عقل توجه کنیم؛ تصدیق‌شان نماییم؛ در زندگی روزمره خود آنها را به کار بندیم؛ و با این کار موجب رشد عقل، و در نتیجه رشد و سعادت‌مندی خود و رضایت خالق مهربان‌مان گردیم.

\*\*\*\*\*

---

<sup>۷</sup> به عنوان نمونه حیا، عفاف و علم، که همگی از جنود عقل‌اند، از زیر شاخه‌های حلم محسوب می‌شوند. رسول خاتم می‌فرماید: "فتشعب من العقل الحلم و من العلم العلم و من العلم الرشد و من الرشد العفاف و من العفاف الصیانة و من الصیانة الحياء...": بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۷.

<sup>۸</sup> "شَكَرْتُ اللَّهَ: إِعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِهِ، فَعَلْتُ مَا يَجِبُ مِنْ فِعْلِ الطَّاعَةِ وَ تَرَكَ الْمَعْصِيَةَ" یعنی: شکر پروردگارم را به جا آوردم یعنی اعتراف به نعمت او نموده و آنچه بر من واجب است، از فرمانبرداری و ترک گناه انجام دادم: مجمع البحرین، ذیل واژه «شکر».

خداوند مهربان، همه‌ی آنچه آدمیان برای هدایت و سعادت نیاز داشتند، به ایشان ارزانی داشت. برترین نعمت خود - یعنی عقل - را به آنها عطا فرمود؛ و مربیانی از جانب خویش به سوی‌شان فرستاد تا عقل‌های مردمان را بیدار نگاه دارند و آنها را رشد دهند.<sup>۹</sup> مربیانی که خود، **عقل کامل** بودند<sup>۱۰</sup> و مراجعه بدیشان باعث رشد و کمال عقل آدمیان می‌شد.

و امروز، آخرین هدایتگر آسمانی - امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - **عقل کامل** عصر ماست؛ با همان شأن هدایتگری که پدران‌ش دارا بودند. می‌توانیم با مراجعه به ایشان، عقل خود را که در اثر غفلت و گناه محجوب ساخته‌ایم، بیدار نماییم.

بیاییم به **عقل کامل** عصر خود مراجعه کنیم و از او در رشد عقل‌مان یاری بجوییم.

به امید روزی که با ظهور منجی موعود، عقل همگان کامل شود.<sup>۱۱</sup>

### نکات مهم این جلسه:

- عقل، دارای تعدادی یاور و محافظ است که به «جنود عقل» یا لشکریان عقل مشهورند. در مقابل «جنود عقل»، «جنود جهل» قرار دارند که کمک کار و لشکریان جهل هستند.
- «عقل»، عمل به «جنود عقل» را تأیید می‌کند و پیروی از «جنود جهل» را رد می‌کند.
- عقل و جنود عقل، ارتباطی مستقیم و دو طرفه با یکدیگر دارند. (هر قدر جنود عقل، قوی‌تر باشند، عقل ما هم قوی‌تر خواهد بود؛ و هر چه نور عقل‌مان بیشتر شود، عمل به جنود عقل، سهل‌تر خواهد شد.)
- جنود عقل، مانند یک جعبه فیوز هستند که برخی از فیوزها (جنود) به صورت سیری و برخی به صورت موازی به یکدیگر متصل شده‌اند. گاهی با پریدن یکی از فیوزها (تضعیف یکی از جنود)، تعداد دیگری از فیوزها (جنود) نیز خاموش می‌شوند.

<sup>۹</sup> امیر مومنان یکی از اهداف بعثت انبیاء را بیدار نمودن عقل‌های مردمان (بیرون آوردن گنجینه‌های مدفون شده‌ی عقل) بیان کرده، می‌فرماید: "قَبَعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَةَ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَ يَرْوَهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ مِنْ سَقْفِ قَوْقُومٍ مَرْفُوعٍ وَ مِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَ مَعَايِشَ تُحْيِيهِمْ وَ أَجَالٍ تُفْنِيهِمْ": نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱، ص ۴۳.

<sup>۱۰</sup> رسول خاتم می‌فرماید: "وَ لَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا رَسُولًا، حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ" یعنی: خدا، نبی و رسولی بر نیانگيخته تا عقل او را کامل کرده و عقلش بهتر از عقل همه امتش بوده است: کافی، ج ۱، ص ۱۳.

<sup>۱۱</sup> امام باقر عليه السلام می‌فرماید: "إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ" یعنی: هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را روی سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقول آنها جمع و اخلاق‌شان کامل می‌گردد: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

- مریبان الهی، عقل کامل زمان خود بوده اند؛ و عقل کامل این زمان، مهدی موعود است که با مراجعه و طلب از ایشان می توانیم عقل خود را بیدار نموده، رشد دهیم.

### تمرین عملی:

- با یاوران و محافظان عقل (جنود عقل) بیشتر آشنا شویم و به آنها بیش از پیش توجه و عمل نماییم. یادمان باشد عمل به جنود عقل، باعث رشد عقل می گردد و رشد عقل، سبب می شود عمل به جنود عقل، سهل تر شود.
- از آنجا که شکر مُنعم، جزو جنود مهم عقل است، تلاش کنیم به الطاف و احسان های متعددی که از جانب خدا و خلق خدا نصیبمان می شود، توجه کنیم و بابت آنها از خدا و واسطه های آن نعمات به صورت زبانی و عملی تشکر کنیم.

### معرفی جنود عقل و جهل:

جنود عقل	جنود جهل
الخير (همه ی نیکی ها)	الشر (بدی)
الایمان (ایمان)	الکفر (پوشاندن ایمان = کتمان ایمان)
التصدیق (تصدیق حق)	الجحود (انکار حق)
الرجاء (امیدواری به خدا)	الفنوط (ناامیدی از خدا)
العدل (دادگری)	الجور (ستم)
الرضا (خشنودی نسبت به تقدیر خدا)	السخط (قهر و خشم نسبت به تقدیر خدا)
الشکر (اظهار نعمت و سپاسگزاری)	الکفران (پوشاندن نعمات الهی و ناسپاسی)
الطمع (امید و چشم داشت به رحمت خدا)	الیأس (ناامیدی از خدا)
التوکل (توکل و اعتماد به خدا)	الحرص (توکل به خود)
العلم (علم)	الجهل (جهل)
الفهم (شعور)	الحمق (حماقت)
العفت (بازدارندگی نفس از انجام کارهای ناپسند)	التهتك (بی باکی و رسوایی در انجام کارهای ناپسند)
الزهد (دل بستن به دنیا)	الرغبة (دل بستن به دنیا)
الرفق (خوشرفتاری)	الخرق (بدرفتاری)
الرهبة (پروا از نافرمانی خدا)	الجرأة (گستاخی در مقابل حق)
التواضع (فروتنی در مواجهه با حق)	التکبر (خودپرستی)

التسرع (شتابزدگی)	التوءدة (آرامش)
السفه (بیخردی)	الحلم (خردمندی)
الهذر (پرگویی)	الصمت (خاموشی)
الاستکبار (گردن کشی در مقابل حق)	الاستسلام (فرمانبرداری از حق)
التجبر (منیت و خودپرستی)	التسليم (تسليم حق)
الحقد (کینه و دشمنی در قلب)	العفو (بخشش و گذشت)
الفسوة (قساوت)	الرحمة (رحمت)
الشك (شک به خدا)	اليقين (یقین به خدا و تقدیراتش)
الجزع (بی‌تابی)	الصبر (صبر)
الانتقام (انتقام)	الصفح (گذشت و چشم‌پوشی)
الفقر (احساس نیازمندی به خلق)	الغنى (احساس بی‌نیازی از خلق)
السهو (غفلت)	التذكر (به یاد آوردن خدا و نعمتهایش)
النسيان (فراموشی حق و حدود الهی)	الحفظ (در خاطر نگاه داشتن حدود عقلی و الهی)
القطیعة (دوری و کناره‌گیری)	التعطف (مهرورزی)
الحرص (حرص و آز)	القنوع (قناعت)
المنع (دریغ و خودداری از برادران دینی)	المواساة (مشارکت در همه امور زندگی با برادران دینی)
العداوة (دشمنی)	المودة (نیکی و محبت)
الغدر (پیمان‌شکنی)	الوفاء (حفظ و ادای عهد و پیمان)
المعصية (نافرمانی از حق)	الطاعة (فرمانبری از حق)
التطاول (بلندی جستن)	الخضوع (سرفروید آوردن مقابل حق)
البلاء (مبتلا بودن روح و بدن به گرفتاری)	السلامة (سلامت روح و بدن)
البغض (تنفر و انزجار)	الحب (محبت)
الكذب (دروغ‌گویی)	الصدق (راستگویی)
الباطل (تابعیت باطل)	الحق (تابعیت حق)
الخیانة (خیانت در امانات)	الامانة (امانت داری)
الشرك (شریک قائل شدن برای خدا)	الاخلاص (خالی شدن از غیر خدا)
البلادة (سستی)	الشهامة (چالاکی)
الغباوة (کودنی)	الفهم (شعور)
الانكار (انکار علم و شناخت)	المعرفة (علم و شناخت)
المکاشفة (راز فاش کردن)	المدارة (مدارا)
المماكرة (دغلی و دو رویی)	سلامة الغیب (یکرویی)
الافشاء (فاش کردن اسرار)	الکتمان (پرده پوشی اسرار)
الاصاعة (تباه کردن توجه = غفلت)	الصلاة (توجه، نماز)
الافطار (روزه‌خواری)	الصوم (سپهر، روزه گرفتن)

الجهاد (جد و جهد در راه حق)	النكول (فرار از کوشش)
الحج (توجه به میثاق الهی)	نبذ الميثاق (شکستن میثاق الهی)
صون الحديث (رازداری)	النميمة (سخن چینی)
بر الوالدين (نیکی به والدین)	العقوق (نافرمانی از والدین)
الحقیقة (حقیقت‌مداری)	الرياء (ریاکاری)
المعروف (تصدیق حق)	المنکر (انکار کردن حق)
الستر (پوشش)	التبرج (خود نمایی)
التقية (تقیه)	الاذاعة (بی‌پروایی)
الانصاف (جانبداری از حق)	الحمية (جانبداری از باطل)
النظافة (پاکیزگی)	القدارة (پلیدی)
الحياء (خدا را رعایت کردن)	الخلع (بی‌حیایی در برابر خدا و خلق)
القصد (میانه روی)	العدوان (تجاوز از حد)
الراحة (آسودگی)	التعب (خود را به رنج انداختن)
السهولة (آسان‌گیری)	الصعوبة (سخت‌گیری)
البركة (برکت)	المحق (بی‌برکتی)
العافية (عفو و سلامتی)	البلاء (گرفتاری و امتحان)
القوام (اعتدال)	المكاثرة (افزون‌طلبی)
الحكمة (عقل و فهم)	النقاوة (پیروی از هوس)
الوقار (سنگینی و متانت)	الخفة (سبکی و جلفی)
السعادة (سعادت)	الشقاوة (شقاوت)
التوبة (بازگشت به خدا)	الاصرار (اصرار بر گناه)
الاستغفار (طلب آمرزش)	الاعتزاز (روی‌گردانی مغرورانه از عذر خواهی)
المحافظة (دقت و مراقبت و حفظ)	التهاون (سهل‌انگاری)
الدعاء (طلب کردن از حق)	الاستنكاف (سرباز زدن از طلب و دعا)
النشاط (خرمی و شادابی)	الكسل (کسالت)
الفرح (شادی و آرامش روحی)	الحزن (اندوه‌گینی و افسردگی)
الالفة (الفت داشتن و انس گرفتن)	الفرقة (کناره گرفتن)
السخاء (سخاوت‌مندی)	البخل (بخیل بودن)